

عنوان مقاله: روابط فرهنگی و ادبی بین بنگلادش و ایران بعد از استقلال بنگلادش
[The Relations of the Cultural and Literary between Bangladesh and Iran after the
independent of Bangladesh]

Dr. Md. Nurul Houda

Professor, Department of Persian Language and Literature, University of Rajshahi, Bangladesh

ARTICLE INFORMATION

The Faculty Journal of Arts
Rajshahi University
Special Volume-7
ISSN: 1813-0402 (Print)

Received : 19 February 2025
Received in revised: 10 April 2025
Accepted: 16 March 2025
Published: 25 October 2025

Keywords:

Relation, culture, literary, Bangladesh,
Iran, Independent, relationship, Hashemi
Rafsanjani, Begom Khaleda Zia, Sheik
Hasina. educational activities.

ABSTRACT

The relations of the cultural, historical, Political and literary between Bangladesh and Iran have been from the thousand years ago. From the reign of Bakhtiyar Khalji Persian Language was the official language in Bengal (from 1204 the end of 1837 A.D.). During the reign of Ghiyasuddin Azam Shah (1389-1410 A.D.), Sonargaon became an important centre of Persian Literature, with many publications of prose and poetry. After the three years of the independent of Bangladesh, Iran has maintained wider connections with Bangladesh. The reign of Shekh Mujibur Rahman the embassy of Bangladesh established in Tehran in 21 July 1974. Then the embassy of Iran also established in Dhaka in the day of 24 January 1975. President Genarel Ziaur Rahman At first visited Iran in 1977. After the Islamic revolution of Iran by Imam Khomeni (R.) in 1979, new dimension were added to the relationship between the Islamic Republic of Iran and Bangladesh. Then the relation grew further with President Akbar Hashemi Rafsanjani becoming the first Iranian leader to visit independent Bangladesh in 1995. Subsequently, Bangladeshi Former Prime Minister Sheik Hasina in 1997 and 2012 and Begom Khaleda Zia in 2004 also visited Iran. Since Rafsanjani's visit to Dhaka, bilateral relations between the two countries have been steadily improving. The Iranian Cultural Centre in Dhaka has been playing an active role in Increasing Persian cultural influence in Bangladesh, with a range of cultural and educational activities. Presently the highly relation of two countries have been running after the independent of Bangladesh.

چکیده مقاله

روابط ایران و بنگلادش از لحاظ فرهنگی، ادبی، تاریخی و سیاسی حدود هزار سال پیشینه دارد. زمانی که حاکمان مسلمان ایرانی، از زبان فارسی استفاده کردند و بعداً در زندگی روزمره مردم بنگاله به کار رفت، یعنی زبان فارسی از سال ۱۲۰۴ م. تا ۱۸۳۷ میلادی، زبان رسمی بنگاله بوده است. بعد از استقلال بنگلادش (۱۹۷۱ م.) شیخ مجیب الرحمن (رئیس جمهوری بنگلادش در آن زمان)، روابط بنگلادش با جهان خارج، به ویژه جهان اسلامی صورت گرفت که موجب تقویت روابط فرهنگی، دینی، ادبی و سیاسی بنگلادش و ایران شد. بعداً در تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۷۴ م. سفارت بنگلادش در تهران تأسیس و سفارت ایران در داکا نیز در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۹۷۵ م. تأسیس شد. بعداً پیروزی انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹ م.) و به دستور حضرت امام خمینی (رح) روابط ایران با جهان اسلامی گسترش پیدا کرد و روابط ایران با بنگلادش محکم تر شد. بعداً رئیس جمهوری اسلامی ایران آقای هاشمی رفسنجانی در سال ۱۹۹۵ م. به بنگلادش سفر کرد. این سفر بین دو کشور نقطه عطف این روابط محسوب می شود. در حال حاضر روابط فرهنگی، ادبی، سیاسی، دینی و اقتصادی بین دوکشوره سطحی بالاتر رسیده است.

تاریخچه روابط بین بنگلادش و ایران

روابط فرهنگی، ادبی و دینی بنگلادش با ایران حدوداً هزار سال قدمت دارد. در قرن سیمید میلادی، ساسانیان ایرانی، میان شبه قاره هند آمدند و جاهای قوتندی "مالاو" را فتح کردند. در عهد انوشیروان (۵۹۴-۵۳۱ م.) سند، پانجاب تا اطراف هیمالیه جزو حوزه ساسانی شد. در این زمان بین ایران و شبه قاره هند روابط علمی و ادبی و فرهنگی گسترش پیدا کرد. آن زمان گفته می شود که سفیر هندی برای درباره پادشاه ساسانی هدی "شطرنج" برد. برزویه طبیب از طرف پادشاه انوشیروان، کتاب هندی "پنج تنتره را" به ایران برد و به نام "کلیله و دمنه" یا با عنوان "کراتک و دمنک" به زبان پهلوی ترجمه شد.^۱

وقتی که اختیار الدین محمد بن بختیار خلجی، سپه سالار معز الدین محمد غوری در سال ۱۲۰۴ م. بنگاله را فتح کرد، زبان فارسی ریشه عمیق در سرزمین بنگاله گرفت. برای اینکه تقریباً همه حکمرانان خلجی به زبان فارسی تکلم می کردند.^۲ از آن زمان زبان و ادبیات فارسی در منطقه بنگال تأثیر گذاشت رسید و بیشتر از ششصد سال (۱۸۳۷-۱۲۰۴ م.) در منطقه که بنگال زبان فارسی، زبان درباری و رسمی رایج بود. برای اثبات روابط فرهنگی و ادبی میان ایران و بنگلادش سندی از شعر حافظ می آوریم.

سلطان غیاث الدین عظم شاه (زمان حکومت ۱۴۱۰-۱۳۹۰ م.) حاکم بنگال، سه کنیز زیبارو بنام های سرو، گل و لاله داشت. وی آنها را خیلی دوست می داشت.^۳ سلطانه سبب خدمات ایشان از بیماری رها شد. سلطان غیاث الدین می خواست برایشان یک شعر بسراید. در زمان حکومت سلطانی زبان رسمی بنگال، فارسی بود. سلطان غیاث الدین عظم شاه مصرعی می سراید:

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می رود^۴

غیاث الدین شعر بعدی را نمی تواند به خوبی کاملش کند، سرانجام شعرا برای حافظ شیرازی می فرستد و از او دعوت می کند به بنگال بیاید، اما حافظ شیرازی نمی تواند به بنگال بیاید؛ ولی با شعر غیاث الدین یک غزل کامل ساخت و پیش غیاث الدین به بنگال فرستاد. مصرع بعدی بیت را در ارتباط با مصرع غیاث الدین می سراید:

وین بحث با ثلاثه غساله می رود^۵

سپس در بیتهای بعدی چنین ادامه می دهد

می ده که نو عروس چمن حد حسن یافت کار این زمان ز صنعت دلاله می رود

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می رود

حافظ ز شوق مجلس سلطان غیاث الدین غافل مشو که کار تو از ناله می

سه سال پس از استقلال بنگلادش، سفارتخانه این کشور در تهران (۲۱ ژوئیه ۱۹۷۴ م) تأسیس و سفارت خانه ایران هم در داکا (۲۴ ژانویه ۱۹۷۵ م) تأسیس شد. سپس نخستین اجلاس مشترک ایران و بنگلادش هنگام مسافرت سرلشکر ضیاء الرحمن در ۱۶ اسفند ۱۳۵۵ هجری ش. (۱۹۷۷ م) به ایران تشکیل گردید. در پایان این اجلاس یک یاد داشت تفاهم به امضا رسید. در این یاد داشت موافقت شد که کمیته های فرعی بازرگانی، حمل و نقل و ارتباطات، بانکداری و بیمه، کشاورزی، صنایع، فرهنگ و نیروی انسانی تشکیل گردد.^۷

در سال ۱۹۷۷ م. سر لشکر جنرل ضیاء الرحمن به ایران سفر کرد و بخش اول شاهنامه فردوسی را که منیرالدین یوسف به زبان بنگالی ترجمه شده بود به حکومت ایران هدیه داد. شاهان شاه ایران خیلی خوشحال شد و گفت، از این بهترین هدیه چه می شود!^۸

به حکومت رسیدن زنرال ارشاد در بنگلادش در ۱۹۸۲ م مصادف با افزایش فشارهای بین المللی بر انقلاب اسلامی ایران گردید و تا حدودی روابط دو کشور سرد شد.

پس از برکناری زنرال ارشاد و روی کار آمدن خانم خالده ضیاء، روابط دو کشور گسترش یافت. در مرداد ۱۳۷۰ هجری شمسی (۱۹۹۳ م) مستفیض الرحمن، وزیر خارجه بنگلادش به تهران رفت. وی طی اقامت خود، با ریاست جمهوری اسلامی ایران و وزرای خارجه، بازرگانی و کار و امور اجتماعی ایران ملاقات کرد و موافقت نامه فرهنگی و علمی و فنی میان دو کشور نیز در پایان سفر وی توسط وزرای خارجه دو کشور به امضا رسید.^۹

در سال ۱۹۹۵ م. رئیس جمهوری اسلامی ایران آقای رفسنجانی به داکا سفر کرد و روابط دو کشور گسترش یافت. نخستین وزیر بنگلادش خانم شیخ حسینه در سال ۱۹۹۷ م اولین بار و در سال ۲۰۱۲ م. بار دوم به ایران سفر کرد و نخستین وزیر بنگلادش خانم خالده ضیا هم در سال ۲۰۰۴ م. به ایران مسافرت کرد و برای گسترش روابط دو کشور در مورد مسائل گوناگون صحبت کرد.

روابط فرهنگی و ادبی و سیاسی بعد از استقلال بنگلادش

وقتی که بنگلادش به عنوان پاکستان شرقی جزئی از پاکستان بود، سر کنسولگری و خانه فرهنگ ایران در داکا به کار اشتغال داشت. پس از استقلال بنگلادش (۱۹۷۱ م) به جهت اینکه ایران از مملکت پاکستان حمایت می کرد سر کنسولگری و خانه فرهنگ ایران در آن کشور تعطیل گردید. به دنبال به رسمیت شناخته شدن بنگلادش توسط پاکستان در جریان کنفرانس رهبران کشورهای اسلامی در لاهور (۲۲ فوریه ۱۹۷۴ م) اقدام به شناسایی بنگلادش نمود.^{۱۰}

در سال ۱۹۷۵ میلادی از طرف دولت ایران در داکا، کارهای فرهنگی و ادبی شروع شد. اولین افسر فرهنگی در سفارت خانه بنگلادش جناب سلطانی بود، ایشان از بخش اردو و فارسی دانشگاه داکا دیدن کرد و احیاء زبان و ادبیات فارسی به کمک ایران را اعلام کرد. همین زمان دکتر کلثوم ابو البشر و دکتر ام سلمی استادان بخش زبان اردو و فارسی بودند.

در سال ۱۹۷۵ میلادی اولین سفیر ایران در بنگلادش مأموریت خود را آغاز کرد. وی تا نیمه اول ۱۹۷۹ میلادی در این کشور به عنوان سفیر خدمت می کرد. پس از این تاریخ سطح روابط دو کشور به کاردار تنزل یافت.^{۱۱}

روابط فرهنگی و ادبی بین ایران و بنگلادش

روابط دینی، فرهنگی، ادبی و تاریخی بین ایران و بنگلادش که تا قرن بیستم به گونه های مختلف ادامه داشت. تا ۱۹۷۷ م. این روابط شکل رسمی به خود نگرفته بود. در این سال، با امضای قرار داد فرهنگی بین دو کشور این روابط شکل رسمی به خود گرفت. قرار داد مزبور پس از انقضای مدت اولیه آن، تمدید نشده بود، تا این که در سال ۲۰۰۴ م. و با سفر وزیر فرهنگ بنگلادش به ایران قرارداد مزبور به صورت برنامه تبادل فرهنگی، علمی و ادبی (در ۶ بخش و ۴۷ ماده) برای سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ به امضای وزاری فرهنگ دو کشور رسید.^{۱۲}

در ماده یازدهم این برنامه طرفین نسبت به رشد و ارتقای زبان و ادبیات طرف مقابل در سرزمین خود و در ماده ۱۲ آن به تبادل استادان و پژوهشگران و دانشجویان تعهد کرده اند. در جریان سفر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت ایران آقای مسجد جامعی به بنگلادش در سال ۲۰۰۵ م، دو طرف نسبت به اجرای برخی مفاد برنامه مزبور تصمیم هایی اتخاذ کردند که از آن جمله همکاری در انجام پژوهشهایی در زمینه زبان فارسی در بنگلادش، ترجمه کتب فارسی به زبانهای بنگالی و انگلیسی، تبادل کتب ادبی فارسی و بنگالی، افتتاح بخش ایران شناسی در موزه ملی بنگلادش و کمک به ترمیم و حفظ آثار باستانی و نسخ خطی کمیاب و کتب نفیس بود. ترجمه برخی از آثار نذراسلام به فارسی که از سوی راین فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران آغاز شده بود، نیز مورد استقبال طرف بنگالی قرار گرفت و قول مساعدت در باره آن داده شد.^{۱۳}

در سال ۱۹۷۷ م. بین ایران و بنگلادش موافقتنامه فرهنگی به امضا رسید و برای پنج سال معتبر بود.^{۱۴} و سال بعدی از طرف دولت ایران، مرتضی صراف را به عنوان اولین استاد اعزامی دانشگاه داکا فرستادند و تا سال ۱۹۸۱ م. در بنگلادش اقامت داشت.^{۱۵} و سال بعدی ۱۹۷۹ م انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رح) پیروز شد. آن وقت مسئولیتهای وابسته فرهنگی در سفارت ایران بودند. تا اینکه در سال ۱۹۸۴ م. خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در داکا تأسیس شد.^{۱۶} جناب سابقه اولین راین خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در داکا بود.

در سال ۱۹۸۲ م (۱۳۶۰ ه. ش) حدود ۸۰ دانشجوی ایرانی در دانشگاه های مختلف بنگلادش در شهرهای داکا، چیتاگانگ، سیلپت، منسینگ و راجشاهی به تحصیل اشتغال یافتند. از طرف دیگر شماری از دانشجویان بنگلادشی نیز در دانشگاه های ایران پذیرفته شدند و بورسی هایی به آنان واگذار گردیده.^{۱۷} پیش از انقلاب اسلامی هم چند نفر به ایران رفته بودند، پروفیسور کلیم سهرامی استاد بخش زبانها، دانشگاه راجشاهی در سال ۱۹۶۴ م با بورسی دولت ایران به دانشگاه تهران برای تحصیل در دوره دکتری رفته بود. دکتر کلثوم ابو البشر هم در سال ۱۹۷۸ م در دانشگاه فردوسی مشهد برای تحصیل در دوره دکتری رفته بود و در همین سال ماه مارس جناب حفیظ الرحمن در دانشگاه تهران رفت. خاتم شمیم بانو هم در سال ۱۹۸۷ م برای تحصیل در دوره دکتری به دانشگاه تهران رفت.^{۱۸}

سپس دکتر محمد شمیم خان از دانشگاه راجشاهی از سال ۱۹۹۴ م تا ۱۹۹۸ م با بورسی دولت ایران، دکتر کی ایم سیف الاسلام خان هم از دانشگاه داکا از سال ۱۹۹۹ م تا ۲۰۰۲ م، دکتر محمد محسن الدین میا از سال ۲۰۰۶ م در دانشگاه فردوسی مشهد و دکتر ممیت الرشید از سال ۲۰۱۳ م تا ۲۰۱۹ م با بورسی ایران در دانشگاه تربیت مدرس تهران رفتند و مدرک دکتری ادبیات فارسی گرفتند. این سلسله تا امروز جاری است.

در سال ۱۹۹۵ م اولین گروه از دانشجویان فارسی آقای کی ایم سیف الاسلام خان، آقای محمد نور الهدی و آقای محسن الدین میا، برای دوره بازآموزی زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی به مدت چهار ماه به دانشگاه اصفهان رفتند و با موفقیت در بنگلادش برگشتند.

روابط فرهنگی و ادبی هم بین دو کشور خیلی نزدیک است. وجود هشت هزار لغت فارسی در زبان بنگالی قرابت فرهنگی میان دو کشور را به خوبی آشکار می سازد. در سال های اخیر چند هیئت فرهنگی به ایران عزیمت کردند و به مناسبت های مختلف بعضی از علمای بنگلادشی طی سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به ایران مسافرت رفتند.^{۱۹} با

کمک خانۀ فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، اولین گروه استادان زبان و ادبیات فارسی دکتر کلیم سهرامی و دکتر کلثوم ابو البشر در سال ۱۹۸۶ م برای شرکت یک سمینار به ایران رفته بودند و بعد از دو سال ۱۹۸۸ م دکتر کلثوم ابو البشر و جناب حفیظ الرحمن با کمک یونسکو برای سمینار به ایران رفتند.^{۲۰}

بعد از استقلال بنگلادش و امضا شدن موافقتنامه فرهنگی، استادان ایرانی به دانشگاه داکا اعزام شدند و حقوق شان از طرف دولت ایران پرداخت شد، که تا امروز ادامه دارد. نام استادانی که از ایران آمده اند عبارت است: دکتر مرتضی صراف (۱۹۷۸-۱۹۸۱ م)، دکتر کاظم کهدوی (۱۹۹۴-۱۹۹۶ م)، دکتر ولی الله جعفری (۱۹۹۷-۱۹۹۸ م)، دکتر احمد تیم داری (۱۹۹۸-۱۹۹۹ م)، دکتر سیروش شمیسا (۲۰۰۰-۲۰۰۱ م)، دکتر محمود بشیری (۲۰۰۲-۲۰۰۴ م)، دکتر سید حسین فاطمی (۲۰۰۵-۲۰۰۶ م)،^{۲۱} دکتر گیتی فروش (۲۰۰۷-۲۰۰۹ م)، دکتر شاهرخ محمد بیگی (۲۰۰۹-۲۰۱۱ م)، دکتر نعمت الله ایران زاده (۲۰۱۴ م)، دکتر فرهاد درود گریان (۲۰۱۶-۲۰۱۸ م)، دکتر کاظم کهدوی (۲۰۱۹-۲۰۲۰ م). در دانشگاه راجشاهی هم سه استاد اعزام شدند، یکی از آن دکتر رضا سمیع زاده (۲۰۱۹ م)، دکتر عمید همدانی (۲۰۲۰ م) و فعلا دکتر صادقی هستند. از خدمت و حمایت ایشان زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش احیا شد و روابط بین دو کشور خصوصا بین دانشگاه های ایران و بنگلادش محکم تر شد.

به خاطر خدمت رایزان، سفیران و استادان اعزامی، زبان فارسی و دانشجویان فارسی در بنگلادش، روز به روز گسترش یافت. بر موجب روابط قدیمی بین ایران و بنگلادش در سال ۱۹۹۵ م. رئیس جمهوری آن زمان هاشمی رفسنجانی برای چهار روز به بنگلادش آمد. اولین کیسی که در سطح رئیس جمهور ایران در بنگلادش مسافرت کرد، رفسنجانی بود. ایشان در آن وقت به خبر نگاران گفتند: "در زبان ملت بنگلادش، فرهنگ و آئینۀ دینی ایرانی اینقدر اثر گذاشته است که نمی تواند آنرا درک کند، و روابط دینی از همه چیز بهتر است. زیرا که دین اسلام مردوم را تیزتر می کند."^{۲۲}

در یازدهم اکتبر ۱۹۹۵ م آقای هاشمی رفسنجانی پس از ملاقات با نخستین وزیر بنگلادش بیگم خالده ضیا و بحث درباره راههای گسترش روابط دو کشور، به دانشگاه داکا آمدند، این امر نقطه عطفی در روابط فرهنگی ایران و بنگلادش بود. ایشان با کمک مالی دولت ایران برای ساختمان فارسی واقف شدند و در هنگام نصب سنگ بنای تأسیس، فرمود:

"ما می خواهیم جان کلام زبان و ادبیات فارسی را به مردم مسلمانان بنگلادش برسانیم. ساختمان فارسی دانشگاه داکا بین دو کشور زبان، آموزش و فرهنگ را ترقی یک مرکز فرهنگ اسلامی سهم مهمی خواهد گذاشت. صد و شصت سال پیش، انگلیسی ها در شبه قاره استفاده زبان و ادبیات فارسی را ممنوع کردند. اما مردم این منطقه وارث زبان فارسی و فرهنگی داشتند. و در زبان بنگالی هفت هزار کلمۀ فارسی وجود دارد. ما امیدواریم در آینده مردم بنگلادش دوباره زبان فارسی و فرهنگ ایرانی را بیاموزند."^{۲۳}

همانگی دو کشور روابط فرهنگی و ادبی از زمان قدیم تا حال حاضر بیشتر گسترش پیدا کرد. ولی متأسفانه که خواش آقای هاشمی رفسنجانی پر نشد، اما در دانشگاه داکا، طبقۀ ششم دانشکده علوم انسانی به نام "حافظ سرا" در اواسط سال ۲۰۱۳ م. ساخته شد. کلاسهای گروه زبان و ادبیات فارسی که حال حاضر آنجا تشکیل می شود.

در سال ۲۰۰۳ م. به دعوت دولت ایران، شش نفر از روسای دانشگاههای بنگلادش از ایران دیدن کردند و سال بعد رئیس و گروهی از استادان دانشگاه فردوسی مشهد به بنگلادش تشریف داشتند. به دانشگاههای داکا، خولنا و راجشاهی و چیتاکنگ آمدند و در میان دانشگاه فردوسی مشهد و دانشگاه راجشاهی، توافقنامه امضا شد. روابط

فرهنگی میان دو کشور تا جایی گسترش یافت که صدا و سیمای ایران بخش زبان بنگالی هم گشوده شد. و از طرف دیگر بسیاری از فیلم ایرانی به زبان بنگالی ترجمه شده است. و در تلویزیون و رادیوی بنگلادش نشان داده می شود تا تأثیر فرهنگی ایرانی در بنگلادش بیشتر نمایان شود، دکتر مهیت الرشید چند چندین فیلم سینمایی از کارگردانان مشهور ایران را ترجمه کرده است.

عباس واعظ دهنوی سفیر اسبق جمهوری اسلامی ایران در بنگلادش درباره روابط دو کشور می گفت: " در روابط ملتها مهمترین پیوند و ثیق، پیوند فرهنگی است، پیوند و ارتباطی که از باد و باران گزند نمی یابد و حوادث ایام آنرا عمیق تر، ریشه دار تر و محکمتر می کند. و دو کشور را برای یکدیگر به منزل دو کشور دور به هم نزدیک قرار داده است و قند پارسی که به بنگاله آمد. طوطیان سخن را شکر شکن نمود و کام مردمان را از شهد خود شیرین کرد."^{۲۴}

کلام پایانی

در حال حاضر روابط فرهنگی و ادبی بین دو کشور به سطحی بسیار خوب رسیده است. این امر مرهون زحمت رایزن فرهنگی و سفارت جمهوری اسلامی است. دو کشور علاوه بر ترجمه به مشترکات فرهنگی و تاریخی، به این شعر زیبای سعدی شیرازی هم نظر دارند:

بنی آدم اعضای یکدیگرند

که در آفرینش زیک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی غمی

نشد که نامت نهند آدمی.^{۲۵}

منابع و مآخذ

- ^۱ محمد ابوالکلام سرکار، ادب ترجمه فارسی در بنگلادش: ۲۰۰۵-۱۹۷۱م. (به زبان بنگالی)، (داکا: ایسیاتیک سوسیتی بنگلادش، دسامبر ۲۰۱۵م)، صفحه - ۱۴
- ^۲ کلثوم ابو البشر، زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش، (داکا: گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، فوریه ۲۰۱۵م)، صفحه - ۱۳
- ^۳ حافظ شیرازی، دیوان حافظ، تقدیم و ویرایش، هاشم رضی (تهران: انتشارات کاوه، ۱۳۴۱ ه.ش.)، مقدمه، صفحه - ۱۲۸
- ^۴ حافظ شیرازی، دیوان حافظ (تصحیح علامه قزوینی و دکتر قاسم غنی)، (تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۴م) صفحه - ۲۱۵
- ^۵ همان.
- ^۶ همان.
- ^۷ وزارت آموزش خارجه، بنگلادش، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳ هجری شمسی، صفحه - ۲۳۷
- ^۸ منیر الدین یوسف (ترجمه کننده)، شاهنامه فردوسی، جلد اول، (داکا: بنگلا ایکادمی، ۱۹۹۱م)، صفحه خصوصی - (سخن رئیس بنگلا ایکادمی، جناب محمود شاه قریشی)؛ روزنامه آزاد، نهم مارس، ۱۹۷۷م؛ دا بنگلادش ویزاریار، نهم مارس، ۱۹۷۷م.

- ^۹ مجله روابط فرهنگی هند و ایران، *ایندو ایرانیکا*، شماره - ۵۷ (کلکته: ایران سوسیتی، ۲۰۰۴)، صفحه- ۸۳
- ^{۱۰} وزارت آموزش خارجه، بنگلادش، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳ هجری شمسی)، صفحه -۲۳۳
- ^{۱۱} همان، صفحه - ۲۳۴
- ^{۱۲} هاشمی (مدیریت)، *مجموعه پیام ها و چکیده مقالات همایش بین المللی، جایگاه زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش و راه های ارتقای آن* (داکا: راینزنی فرهنگی سفارت ج. ا. ایران در بنگلادش، ۲۰۰۶ م)، صفحه -۲۹
- ^{۱۳} همان، صفحه - ۲۹-۳۰
- ^{۱۴} وزارت آموزش خارجه، بنگلادش، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳ هجری شمسی)، صفحه - ۲۴۲
- ^{۱۵} عبد الصبور خان، *زبان و ادبیات فارسی در بنگال و تاریخ گسترش فرهنگ*، (به زبان بنگالی)، داکا: رودلا پروکاشنی، ۲۰۱۸ م، صفحه- ۱۹۰.
- ^{۱۶} دکتر کلثوم ابو البشر، *زبان و ادبیات فارسی در بنگلادش* (داکا: گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه داکا، فوریه ۲۰۱۵ م)، صفحه- ۱۴
- ^{۱۷} وزارت آموزش خارجه، بنگلادش، همان، صفحه ۲۴۲-
- ^{۱۸} یاد نامه چهارمین همایش دوسالانه انجمن فارسی بنگلادش، ۲۰۰۵ م، داکا (مقاله عبد الصبور خان)، صفحه - ۴۸
- ^{۱۹} وزارت آموزش خارجه، بنگلادش، همان، صفحه ۲۴۳-
- ^{۲۰} یاد نامه چهارمین همایش دوسالانه انجمن فارسی بنگلادش، ۲۰۰۵ م، داکا (مقاله عبد الصبور خان)، صفحه- ۴۸-۴۹
- ^{۲۱} همان، صفحه- ۵۰
- ^{۲۲} محمد ابوالکلام سرکار، *ادب ترجمه فارسی در بنگلادش: ۲۰۰۵-۱۹۷۱ م.* (به زبان بنگالی)، (داکا: ایسیاتیک سوسیتی بنگلادش، دسامبر ۲۰۱۵ م)، صفحه - ۱۸
- ^{۲۳} محمد ابو الکلام سرکار، *ادب ترجمه فارسی در بنگلادش: ۲۰۰۵-۱۹۷۱ م.*، صفحه -۱۹
- ^{۲۴} محمد ابوالکلام سرکار (گردآوری و تدوین)، *ارجنامه استاد گلثوم ابوالبشر*، (داکا: ایتیریتو پروکاشنی، ۲۰۲۰ م)، صفحه - ۷۵
- ^{۲۵} سعدی شیرازی، *گلستان سعدی* (تصحیح عبدالعظیم خان قریب گرگانی)، (تهران: انتشارات ایران مهر، ۱۳۸۰ هجری شمسی)، صفحه- ۱۱۸